

عنوان مقاله:

تطورات بنیادین مفهوم «ذات نامتناهی»

محل انتشار:

فصلنامه فلسفه دین، دوره 12، شماره 3 (سال: 1394)

تعداد صفحات اصل مقاله: 30

نویسنده:

حسین صابری ورزنه - PHD.univcity of Tehran

خلاصه مقاله:

مفهوم «ذات نامتناهی» که هم از جنبه فلسفی و هم الهیاتی اهمیت دارد، تطورات بنیادین زیادی را در طول تاریخ تفکر در غرب پشت سر گذاشته است. پیشاسقراطیان برخورد دوگانه ای با آن داشته اند. برخی چون آناکسیمندر و ملیسوس به دیده پذیرش به آن نگریسته اند. این آرخه از نظر آنان، منشأ الهی، فناپذیر، درون ماندگار در جهان طبیعت و سابق بر کثرات و مشتمل بر آنهاست، اما در عین حال «شخص» نیست. در مقابل، فیثاغورس، پارمنیدس، افلاطون و ارسطو نامتناهی را با نامتعیین، نامعقول و آشوبناک یکی دانسته اند و از این جنبه، آن را وصفی منفی تلقی کرده اند. اما فیلون و به تبع او متالهان مسیحی، نامتناهی را وصف خدا قلمداد کرده اند و با فراروی از سنت پیشاسقراطی بر تعالی کامل ذات نامتناهی و همچنین شخص بودن آن تاکید ورزیده اند. در انتهای قرون وسطی بازگشتی سوی درون ماندگار دانستن ذات نامتناهی ظهور می کند، اما همچنان شخص بودن آن حفظ می شود. دکارت به این بازگشت با دیده پذیرش نمی نگرد و باز بر تعالی و تشخص به صورت توأمان تاکید می کند. اتخاذ هر کدام از این نظریات، پیامدهای فلسفی و الهیاتی خاصی را به همراه دارد.

کلمات کلیدی:

infinite, Finite, god, Transcendent, Immanent

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1526204>

